



انتشارات غنچه

عنوان اثر : بر شانه های ابر

مؤلف : محمد رضا شمس

ناشر : غنچه

گرافیست و صفحه آرا :

مهشید هاشمی

طرح جلد : مهدی فرشیدفر

طرح های ۵۵،۵۶،۴۹،۴۳،۴۰،۳۹،۲۵،۱۶،۹

مهدی فرشیدفر - شهاب مهرنامی

لیتو گرافی : شهروزند

چاپ : نگارین

تیراژ : ۱۰۰۰ جلد

چاپ اول : زمستان ۸۳

بهاء : ۱۲۰۰ تومان

شمس ، محمد رضا ، ۱۳۶۵ -

بر شانه های ابر / نویسنده محمد رضا شمس . -

تهران : غنچه ، ۱۳۸۳ .

۱۱۲ ص .

ISBN 964-6633-01-0

۱۲۰۰۰ ریال

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا .

۱. نثر فارسی -- قرن ۱۴ . الف . عنوان .

۸۶۲ / ۸۶۸

PIR ۸۱۲۳ / م ۵۲۵

ب ۶۴۱ ش

۱۳۸۳

۶۸۹۵ - ۸۳ م

کتابخانه ملی ایران

www.MoonShineBoy.8M.com

Email: bar_shanehay_e_abr @ yahoo.com

moon_shine_boy65 @ hotmail.com

تلفن : ۰۲۲۳۱۳۵۲

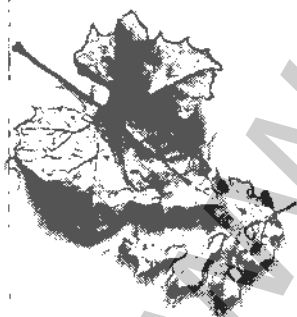
۰۹۱۲۱۷۸۱۷۴۸

کتاب اول

- ۹ فاطرات پوشالی ، خامی غم ها
- ۱۲ شب اشک
- ۱۳ اسارت تاریک وجود
- ۱۴ ملقه ی نگاه
- ۱۹ امید به یک معجزه
- ۲۱ " تو " ای تنها برهان عشق ...
- ۲۳ انسان پر توهم
- ۲۵ توصیف رویایی برای تاریکی
- ۳۲ دلی پر از درد
- ۳۴ ای کاش کسی صدایم را نشنود ...
- ۳۶ اجبار در انتفاب
- ۳۹ ایمان بیاور
- ۴۰ سفت تر از زمین
- ۴۳ بندری با یاد تو
- ۴۵ طعنه های آتش
- ۴۹ معجزه ای که دم از غصه و غم می زد ...
- ۵۲ پرستش یک احساس نفرت انگیز
- ۵۵ دفترکان بی وفا
- ۵۹ عشق و نفرت
- ۶۰ سایه ای سپید
- ۶۳ مسافر نافه انده
- ۶۶ آتش مماقت
- ۶۹ بازی واژه ها
- ۷۳ لالای فدا ...

کتاب دوم

- ۷۹ مسمم
- ۸۱ به نام تک نوازنده ی عشق
- ۸۷ قدم گاه احساس
- ۹۲ ممرابی در عطش فون
- همای پر طلایی بفت
- ۹۶ پر از ابهام من ...
- ۱۰۰ مزیره ی انتظار
- ۱۰۵ مرگ و میات
- ۱۰۹ محکم



مقدمه

به نام تك نوازنده ی عشق

سر آغاز آوای دانای دوست بود نام زیبای یزدان دوست

به نام خدایی که مرا اینچنین قلمی عطا کرد تا شاید بتوانم گوشه ای از غم های خفته ی دلم را
با کاغذهای سید و پاك در میان بگذارم .

مدت هاست که می نویسم و همیشه آرزوی من به درگاه احدیت این بوده که
خدایا اگر روزی قلمم را از من دریغ کردی ، روزی باشد که غش من طعمه ی کرکس های خون خوار
شده باشد و یا زیر نور آفتاب و یا در آغوش خاك ، پوسیده باشم .
همیشه از خدا خواسته ام که میاذا روزی رسد که این قلب هر چند گناهکار مرا
هرچند که امانت دار خوبی برای خانه اش نبوده ام ، از من دریغ ندارد .

در میان ارتعاعی پست ، می پید دو چشم مست
در میان يك تیش از حضور ، می سراید دلم را سکوت
در میان نگاهی که هست ، از برای امیدی که هست
همه يك سرانده و شوق ، همه در بر آغوش ذوق
دلم با تو و آن نگاهم به تو ، غم از تو و شوق بودن ز تو
تو بر من همه خاطره می نهی ، خود از خاطره ها سفر می کنی
تو بر من کنند نگاه آفریدی ، خود از این نگاهم رهیدی

این مجموعه ی ناچیز به عنوان گوشه ای از این عظمت خداوند است که در بنده ی حقیرش
تحقیق یافته و من این نعمت بزرگ الهی ، یعنی توانایی نوشتن را چون بت عشق می پرستم
و سعی می کنم تمام لحظه های زندگی ام را با آن رنگ و حیات بخشم .
خدایا مرا جز خودت پناهی مده .